

سعدی و تأثیر قرآن بر گلستان

سعدی شیرازی عاشقی جمال‌دوست و دوستدار روی نکوست. شاعری است که غزل‌های دلنواز سروده، عارفی است که دم از مستی و رندی زده، مصلحی است که درس‌های اخلاق و پندهای آموزنده داده، حکیمی است که گنجینه رازهای حکمت را گشوده و قرآن را در سینه خود نگهداشته است. همین است که باید در سنجش آثار سعدی، جهات مختلف و موارد الهام و شان نزول‌ها در نظر باشد تا نتیجه‌ای درست و مطلوب به دست آید و عارف والا مقام ما متهم به تناقص گویی نگردد.

سعدی زمانی چشم به جهان گشود^۱ که فضای ایران از یک سو پر از زمزمه‌های سنایی و عطار بود و از سوی دیگر تماشاگر استبداد مغول و ملوک‌الطوایفی و نابسامانی مردم هم بود. وی در کودکی به درد یتیمی مبتلا شد، اگر مادر مهربان مونس وی نمی‌بود شیرازه زندگیش از هم گسیخته می‌شد. روحیه‌اش در مکتب الهیات پرورش یافته بود. آشوب فارس باعث شد که وی از عجم به سرزمین عرب روی نهد و در بغداد در مدرسه نظامیه درس بخواند و از صحبت شهاب‌الدین سهروردی، از صوفیه بزرگ آن زمان، استفاده کند. سعدی از محضر شیخ فقیه ابوالفرج بن جوزی، محتسب بغداد، نیز درس رشد و هدایت گرفته است. دو بار پیاده حج کرد و جوانی خود را در بلاد عرب گذراند. وی دوره عباسیان را مشاهده کرد و به فرهنگ و رسوم و زبان و ادب عرب علاقه‌مند شد.

سعدی تحت تأثیر متنبی و بحتری به زبان عربی شعر سرود. وی مردی متدین و متشرع بوده و قرآن در سینه و روانش جای داشته است. وی به مسایل عرفانی و علوم

۱. کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، در سال‌های اوّل سده هفتم هجری، ص ۱۰.

دینی آگاهی داشت. همین بود که اندیشه‌های وی پرتو حکم و معارف قرآنی بود. دریچه‌های تفکری را که او بر اهل خرد باز نموده، عموماً استنتاج از قرآن و حدیث است. قرآن کتابی است که دارای تمام خشک و تر است^۱. کلام ربانی مشعلی بوده و سعدی هیچ احتیاجی نداشت که اصول کردارسازی و تربیت و اخلاق را در دنیای دیگر تلاش کند. محتوای گلستان کم و بیش تعلیمات قرآنی است. گاهی آیات قرآن را مستقیماً نقل

کرده و گاهی غیر مستقیم. آیه‌های که در گلستان نقل شده به این صورت است:

۱. اَعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ، سوره سبأ، آیه ۱۳
۲. وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ، سوره آل عمران، آیه ۱۳۴
۳. أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ، سوره یس، آیه ۶۰
۴. قَالَ بَلْ سَأَلْتُ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَمْرًا، سوره یوسف، آیه ۸۳
۵. وَكُلُّدِيقَتَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْوِيِّ، سوره سجده، آیه ۲۱
۶. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سوره فاتحه، آیه ۱
۷. أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ، سوره بقره، آیه ۲۰۶
۸. مَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا، سوره فصلت، آیه ۴۶
۹. وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، سوره ق، آیه ۱۶
۱۰. قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ، سوره یوسف، آیه ۳۳
۱۱. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، سوره انشراح، آیه ۶
۱۲. أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ، سوره بقره، آیه ۴۴
۱۳. إِذَا مَرُّوا بِاللُّغُوِّ مَرُّوا كِرَامًا، سوره فرقان، آیه ۷۲
۱۴. وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ، سوره لقمان، آیه ۱۵
۱۵. كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا، سوره اعراف، آیه ۳۱
۱۶. بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا، سوره عنكبوت، آیه ۸
۱۷. وَكُلُوا بَسْطَ اللَّهِ الرَّزْقَ لِعِبَادِهِ لِيَعْلَمُوا فِي الْأَرْضِ، سوره شوری، آیه ۲۷.
۱۸. الْحَبِيبَاتُ لِلْحَبِيبِينَ، سوره نور، آیه ۲۶

۱. قرآن مجید، سوره ۶، آیه ۵۹.

۱۹. حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْقُ، سورة يونس، آیه ۹۰
۲۰. فَإِذَا رَكَبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، سورة عنكبوت، آیه ۶۵
۲۱. إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ، سورة لقمان، آیه ۱۹
۲۲. فَذَلِكُنَّ الَّذِينَ لُمْتُنَنِي فِيهِ، سورة يوسف، آیه ۳۲
۲۳. فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا، سورة مؤمن، آیه ۸۵
۲۴. أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ، سورة صافات، آیه ۴۱
۲۵. لَئِن لَّمْ تَنْتَه لَأَرْجُمَنَّكَ، سورة مريم، آیه ۴۶
۲۶. وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، سورة طلاق، آیه ۳
۲۷. (أَنْبَتَهُمُ اللَّهُ تَبَاتًا حَسَنًا) اصل آیه این است: فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا تَبَاتًا حَسَنًا، سورة آل عمران، آیه ۳۷
۲۸. أَحْسَنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ، سورة قصص، آیه ۷۷

علاوه بر این سعدی، ماهرانه در داستان‌های خود مضامین قرآنی و دورنمای اسلام را با تجربه‌های جهان‌بینی، به شکل پیام به مردم رسانیده است. این اسلام‌گرایی وی بر ذهن خواننده نقش مثبتی را مرتسم می‌کند، نیز فن (تکنیک) داستان و قصه‌نویسی لطمه نمی‌خورد. در این مقاله کوتاه فقط چند داستان از گلستان و کمی از حکمت‌های باب هشتم که بافت اسلامی و مضامین قرآنی دارد به طور مثال نقل می‌شود.

در اولین داستان گلستان در ضمن عفو و کرم به آیه قرآنی استدلال می‌کند و بی‌ثباتی جهان را نشان می‌دهد که همان تفسیر کُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ است^۱ همچنین در دوّمین داستان با یادآوری نابودی و فنا، ترغیب می‌دهد که باید انسان از حوادث گذشتگان عبرت بگیرد و فرصت را غنیمت شمرده کارهای خیر انجام دهد. وی می‌گوید:

خیری کن ای فلان و غنیمت شمار عمر زان پیشتر که بانگ برآید فلان نماند^۲

رسول اکرم ص می‌فرماید: «فرصت غنیمت است»^۳ و هرچه شیخ شیراز می‌گوید

۱. قرآن مجید، سوره ۵۵، آیه ۲۶

۲. گلستان، ص ۳۸

۳. رضا حکیمی، الحیات ج ۱، الفصل الرابع والعشرون، ص ۳۱۷، حدیث شماره ۲۱ «اغتنام الفرص».

حضرت علیؑ عیناً همان فرموده است: «قبل از مرگ در روزهای فرصت کار بکن!»^۱ جایی در شعر معروف زیر و در داستان‌های دیگر، هرچه سعدی می‌گوید، بر اساس آیه‌های قرآنی است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک جوهرند^۲

در قرآن آمده همه شما را از یک نفس (تن) بیافرید و هم از آن، جفت او را خلق کرد و از آن خلقی بسیار را در اطراف از مرد و زن برانگیخت!

همین طور در داستانی که مسرفی تمام پول خود را در مدت کوتاه، مصرف کرد و به زودی پیش شاه آمد و دوباره سوال کرد. پادشاه گفت: «این گدای شوخ مبدّر را که چندان نعمت به چندین مدت برانداخت برانید که خزانه بیت‌المال لقمه مساکین است، نه طعمه اخوان‌الشیاطین». مستقیماً استنباط از قرآن است. حتی لغاتی را که به کار برده لغات قرآنی است مثلاً در قرآن آمده است که مصرف صدقات منحصرأً مختص به فقرا و مساکین است.^۳ یا در سوره اسرا آمده که هرگز اسراف مکن که مبدّران و مسرفان برادر شیطانند.^۴ پس داستان‌های مساکین و مبدّر و اخوان‌الشیاطین نشان می‌دهد که در قاب خیال نویسنده همین آیات الهی بوده است. سعدی می‌گوید:

راستی موجب رضای خداست کس ندیدم که گم شد از ره راست^۵

و قرآن می‌گوید که این روزی است که صادقان از صدق و راستی خود بهره‌مند می‌شوند برای آنها بهشت‌هایی است که از زیر درختانش نهرها جاری است که در آن به نعمت ابدی متنعم‌اند، خدا از آنها خشنود و آنها هم از خدا خشنودند، این است سعادت و فیروزی بزرگ.^۶

۱. مترجم مفتی جعفر مرحوم، نهج‌البلاغه خطبه ۸۴، فلیعمل العامل منکم فی ایام قبل ارهاق.

۲. گلستان، ص ۴۶. خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً، سوره ۴، آیه ۱.

۳. إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ، سوره ۹، آیه ۶۰.

۴. إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ، سوره ۱۷، آیه ۲۷.

۵. كَلِّيَاتٍ، ص ۹۲.

۶. هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، سوره ۵، آیه ۱۱۹.

جایی شیخ می‌نویسد:

”هر که خدای را عزوجل بیازارد، تا دل خلقی بدست آرد خداوند تعالی همان خلق را بر او گمارد، تا دمار از روزگارش برآرد“^۱.

همین موضوع در سوره محمد در ضمن انفاق مطرح شده که اگر شما روی بگردانید خدا قومی غیر شما که مانند شما بخیل نیستند به جای شما پدید آرد^۲.

سعدی درباره ظلم و استبداد پند می‌دهد که:

پادشاهی که طرح ظلم افکند پای دیوار ملک خویش بکند

و در قرآن خدای بزرگ می‌فرماید که:

”این است خانه‌های بی‌صاحب ایشان که چون ظلم کردند همه ویران شد“^۳.

دنیای اندیشه سعدی جولانگاه رمز و راز الهی است و گلستان آئینه غیب‌نما است. در حکایتی پادشاهی به مرض مهلکی گرفتار شد و معالجه‌اش جز زهره انسانی چیزی نبود آخر کار با هزاران کوشش پسری در روستایی پیدا شد. پادشاه پدر و مادرش را با پول و ثروت غنی کرد و ایشان از خون او گذشتند. عاقبت پسر در حالت نومیدی سر به آسمان کرد و لبخند زد. پادشاه علت این تبسم بیجا را پرسید؟ جواب داد به جز خدای عزّ وجلّ پناهی نمی‌بینم، پادشاه را خوش آمد و از خون او گذشت. سعدی می‌خواهد به مردم بگوید که اصل بارگاه نیایش ذات وحده لا شریک است و در اینجا کلام ربّانی را خیلی خوب تفسیر کرده است. آیا آن کیست که دعای بیچارگان مضطر را به اجابت می‌رساند و رنج و غم آنان را بر طرف می‌سازد^۴.

در حکایت دیگری می‌نویسد که سرهنگزاده‌ای، پسر هارون‌الرشید را دشنام داد. مجازات‌های گوناگونی مثل قتل و بریدن زبان و تهدید تجویز شد. ولی هارون گفت که عفو کن و اگر این امر امکان پذیر نیست، تو هم دشنام بده. اینجا سعدی دستور اساسی مجازات اسلامی را روشن نموده است. در چنین فضای اختناق برای سعدی خیلی

۱. کلیات، ص ۹۶

۲. وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ، سوره ۳۷، آیه ۳۸..

۳. فَنَلِّكُ بِبُيُوتِهِمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا. سوره ۲۷، آیه ۵۲.

۴. أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ، سوره ۲۷، آیه ۶۲.

مشکل بود که پادشاهان را نقد کند، لذا حکم الهی یعنی چشم به جای چشم و گوش به جای گوش و زبان به جای زبان را در قالب داستان ارائه داده است.^۱ همین طور در باب دوّم در بسیاری از موارد، از وحی الهی الهام گرفته است. به طور مثال پرخوری را خیلی مذمت کرده و به تکرار بیان کرده است. فقط چند بیت در اینجا تذکر داده می‌شود:

اسیر بند شکم را دو شب نگیرد خواب شبی ز معده تنگی شبی ز دل تنگی

*

خوردن برای زیستن و ذکر کردن است تو معتقد که زیستن از بهر خوردن است
پُرخوری از لحاظ اخلاقی خیلی بد است و خورنده هرچه اضافی می‌خورد حق دیگران است. سعدی کم‌خوری را ستایش می‌کند و آن را باعث امتیاز انسان از جانوران می‌داند که انسان‌ها را در صف فرشتگان می‌نشانند:

فرشته خوی شود آدمی به کم خوردن و گر خورد چو بهایم بیفتد او چو جماد
شکّی نیست که کیفیت درونی سعدی در آفرینش این داستان‌ها که پیرامون آن صحیفه آسمانی است، شایان توجه است. در باب سوم حکایتی درباره دو برادر آمده است که یکی از ایشان علم آموخت و فقیه شد و دیگری مال اندوخت و عزیز مصر گردید. برادر پولدار به برادر فقیر و فقیه توهین کرد. برادر عالم گفت: شکر خداوند که من میراث پیغمبران یافتم و تو میراث فرعون و هامان. به نظر سعدی، فرعون و هامان مال دنیا اندوختند و پیغمبران علم و حکمت داشتند و در قرآن آمده است که آنها با علم آفریده شدند. در سوره حدید به تفصیل آمده که ما پیغمبران خود را با براهین و معجزات فرستادیم و بر ایشان کتاب و میزان نازل کردیم... و البته ما نوح و ابراهیم را به خلق فرستادیم و در فرزندان شان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم...
و از پی نوح و ابراهیم باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم.^۲

۱. و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعین... الخ، سوره ۵، آیه ۴۵

۲. سوره ۵۷، آیه ۲۷-۲۴.

و درباره رسول اکرم ص می‌فرماید که علم و حکمت و نور به وی عطا کرده است. اثرات قرآنی در ابواب مختلف گلستان ادامه دارد، ولی بیان تک تک آنها در این مقاله کوتاه مشکل است. اما کوشش این است که از هر باب نمونه‌ای داده شود. در باب پنجم در بیت زیر عیناً از داستان حضرت یوسف استفاده شده است:

تا به جای ترنج در نظرت بی خبر دست‌ها بریدندی

یا در بیت زیر نیز از واقعه حضرت یوسف استنباط کرده و شاهد می‌آورد که چون او در خشک‌سالی سیر نخورده بود درد گرسنگان را احساس می‌کرد:

حال درماندگان کسی داند که به احوال خویش درماند

در همین باب داستان‌های دیگر مثل حکایت قاضی همدان نیز ریشه در قرآن و حدیث دارد و لطف داستان‌نویسی را از دست نداده و موضوع سنگین توبه در قالب شوخی مطرح شده است. روزی قاضی در حالت مستی و خواب بود. خاصانش او را بیدار کردند و گفتند که خورشید برآمد. قاضی پرسید از کدام طرف و چون آگاه شد که از طرف مشرق حدیث پیغمبر را خواند: لایفلق علی العباد حتی تطلع الشمس من مغربها استغفرک اللهم واتوب الیه. سعدی از حیث یک مرد متعهد مسئله "در توبه همیشه باز است" با دقیق‌النظری مطرح می‌کند که این درست است که در توبه باز است ولی با رو به رو شدن مرگ توبه فایده ندارد. این گونه استدلال سعدی، قرآنی است. چنانکه در سوره مومن آمده است: پس چون سختی [عذاب] ما را دیدند گفتند فقط به خدا ایمان آوردیم و بدانچه با او شریک می‌گردانیدیم کافریم. و هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند دیگر ایمان‌شان برای آنها سودی نداد^۱.

داستان‌های گلستان عموماً تحلیل و تشریح تعلیمات اسلامی و نمایانگر اهمیت و عظمت فرامین الهی است. موضوعاتی را که سعدی انتخاب کرده مثلاً توانگری و درویشی، وظیفه پادشاهان و مالداران، خدمت بیچارگان، خلوص نیت، حسن عبادت، معرفت و عرفان، عشق الهی، صبر و تحمل، سخاوت و کرم بی‌احسان، مذمت حرص،

۱. فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ (۸۴) فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا
سوره ۴۰، آیه ۸۴-۸۵.

شناخت حلال و حرام، عزت نفس، عفو و کرم و همزیستی و غیره درس‌های اخلاقی است و قرآن در این مورد کتاب هدایت است. سعدی کبر و نخوت را چنین نکوهش می‌کند:

نشاید بنی آدم خاک زاد که در سر کند کبر و تندی و باد

و خدای بزرگ در قرآن درباره متکبر می‌فرماید:

”و از مردم [به نخوت] رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند و لافزن را دوست نمی‌دارد“^۱.

سعدی درباره عفو و کرم حرف‌های بلیغ و حکیمانه‌ای گفته است. حق این است که بخشندگی و عفو باید در حالت قدرت باشد زیرا که بدون قدرت بخشیدن کرم نیست، بلکه اجبار و ناچاری است.

سعدی می‌گوید هر که در حال توانایی نکویی نکند در وقت ناتوانی سختی بیند. قرآن می‌گوید: و باید عفو کنند و گذشت نمایند، مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است.^۲

در قرآن آمده: شما باید در نیکوکاری و تقوی کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است.^۳

سعدی می‌گوید هر که با دشمنان صلح می‌کند سر آزار دوستان دارد

یا

رحم آوردن بر بدان ستم است بر نیکان و عفو کردن بر ظالمان، جور است بر درویشان

یا

ترحم بر پلنگ تیز دندان ستمکاری بود بر گوسفندان

دید سعدی درباره احسان و کرم عین آیات الهی است:

خواهی متمتع شوی از دنیا و عقبی

با خلق کرم کن چو خدا با تو کرم کرد

۱. وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ، سوره ۳۱، آیه ۱۸.

۲. وَيُغْفِرُوا وَلْيُصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ، سوره ۲۴، آیه ۲۲.

۳. تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ، سوره ۵، آیه ۲.

خدا می‌گوید: با خلق کرم کن چون خدا با تو کرم کرد^۱.
سعدی درباره صبر می‌گوید: کارها به صبر برآید و پروردگار می‌گوید که "پس صبر کن و عجله نکن"^۲.

قرآن می‌گوید: "و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند"^۳.
سعدی آشکار کردن عیب دیگران را عمل زشتی می‌داند و می‌گوید:
مردمان را عیب نهانی پیدا مکن که مر ایشان را رسوا کنی و خود را بی‌اعتماد.
خالق حقیقی می‌گوید: "مال و فرزند زینت حیات دنیوی هستند"^۴.
درباره مال در گلستان آمده: مال از بهر آسایش عمر است.

سعدی داستان شوریده‌ای را نقل می‌کند که در کاروانی همه شب ناله و فریاد می‌کرد و هیچ کس را اجازه خواب نداد. چون علت بی‌خوابی را پرسیدند گفت: بلبلان، کبکان، غوکان و بهایم همه در تسبیح بودند پس چطور ممکن بود که من در خواب غلفت بمانم. این داستان از آیه اول سوره جمعه اخذ شده است.^۵

داستان خیلی ساده است اما سعدی روشنفکرانه به خواننده یادآوری می‌کند که هدف و مقصود آفرینش انسان و جن چیست^۶. وی هنرمندانه درس عبودیت می‌دهد و می‌گوید که شرط آدمیت همین است که با مشاهده عبرت بگیرد و پند بیاموزد. سعدی مسایل شخصی و اجتماعی بشر را یکی یکی مورد بحث قرار داده و در هر مورد از قرآن بهره جسته است.

وی درباره شهوت می‌نویسد:

که شهوت آتش است از وی بپرهیز به خود بر آتش دوزخ مکن تیز
در آن آتش نداری طاقت سوز به صبر آبی برین آتش زن امروز

۱. أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ، سوره ۲۸، آیه ۷۷.

۲. فَاصْبِرْ وَلَا تَسْتَعْجِلْ، سوره ۴۶، آیه ۳۵.

۳. لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا، سوره ۴۹، آیه ۱۲.

۴. الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، سوره ۱۸، آیه ۴۶.

۵. يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، سوره ۶۲، آیه ۱.

۶. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ، سوره ۵۱، آیه ۵۶.

از دید قرآنی فلاح و نیکی برای کسانی است که شهوت را مغلوب می‌سازند و صبر می‌کنند.^۱

و در سوره مریم آمده که آنانکه شهوت نفس را پیروی کردند به زودی گمراهی را خواهند یافت و آتش جهنم برای گنهکاران و گمراهان روشن است و سعدی با بلاغت ادبی شهوت را آتش خوانده و صبر را آب می‌گوید. خردمند کسی است که خود را از این عذاب وحشتناک نگهدارد و این آتش را با آب صبر خاموش گرداند. اندیشه‌های اجتماعی سعدی مبتنی بر بشر دوستی و عشق به مردم است که در آن محبت به دین و علاقه به قرآن موج می‌زند. علاوه بر این نمونه‌ها، که مثنوی از خروار است، منبع بسیاری از اشعار معروف و حکایت‌های بی‌بدیل سعدی، قرآن و حدیث و اقوال اولیاء الله بوده است.

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه و تفسیر مهدی الهی قمشه‌ای، بنیاد نشر و ترویج قرآن، تهران، ۱۳۶۳.
۲. کلیات شیخ سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، چاپخانه محمد علی علمی، تهران، ۱۳۳۴.
۳. نهج البلاغه، مترجم مفتی جعفر مرحوم، نظامی پریس، لکهنو، ۱۹۸۴.
۴. الحیات، رضا حکیمی، فصل الرابع و عشرون، ج ۱، حدیث شماره ۲۱.

۱. وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ، سوره ۵۹، آیه ۹.